



المانیتور: آیا ایران واقعا در مورد مناقشه یمن مقصر است؟

تهران / خبرگزاری صدا و سیما / سیاسی 1394/02/21 المانیتور نوشت : درگیری یمن ، درگیری داخلی است و تنها راه برای ایجاد ثبات در این کشور که به طرف جنگ داخلی پیش می رود ، دستیابی به توافقی سیاسی است. به گزارش مونیتورینگ خبرگزاری صدا و سیما ، این پایگاه اینترنتی آمریکایی در تحلیلی به قلم حسین موسویان نوشت : مرگ حداقل 1000 یمنی، از جمله 115 کودک و بیش از 3500 زخمی ، نتیجه اصلی حمله نظامی به رهبری عربستان علیه یمن است. عقیده رایج در مورد حملات در یمن این است که این تازه ترین میدان جنگ در جنگ نیابتی بین ایران و عربستان سعودی به شمار می رود. چنین تصویری از این مناقشه ، اغلب ایران را به عنوان متجاوز ترسیم و این ادعاها را تکرار می کند که مداخله عربستان سعودی در یمن به نوعی ناشی از دخالت ایران در حیات خلوت ریاض بوده است. با این حال، چنین اظهاراتی واقعیت‌های سیاست داخلی یمن و نیز تاریخی را نادیده می گیرد. برای بدست آوردن درک بهتری از اقدامات اخیر نیروهای حوثی، درک زمینه های تاریخی گسترده تری در مورد منشاء آنها ، بسیار مهم است. حوثی ها که خود را انصار الله می نامند، اعضای فرقه زیدی اسلام هستند. طرفداران اسلام زیدی ، شاخه ای از اسلام شیعه، بیشتر از 40 درصد جمعیت یمن را تشکیل می دهند. یمن هزار سال تا سال 1962 عملا توسط « امامان » زیدی اداره می شد تا اینکه افسران نظامی با رهبری یک کودتا که دولت تحت رهبری زیدی ها را سرنگون کرد ، اقدام به ایجاد نظام جمهوری کردند. جنگ داخلی متعاقب این وضع ، موجب مداخله شدید قدرت های خارجی، به ویژه مصر در زمان ریاست جمهوری جمال عبدالناصر شد. دوران اوج این جنگ ، شاهد استقرار هفتاد هزار نفر از نیروهای مصری در یمن و در نهایت ، کشته شدن بیش از ده هزار نفر از این نیروها بود. از قضا، با توجه به رویدادهای اخیر، عربستان سعودی از بازگشت به قدرت امامان زیدی پشتیبانی می کند. این مناقشه در در پایان موجب چند تکه شدن یمن شد. جمهوریخواهان در بخش شمالی قدرت پیدا کردند در حالی که در بخش جنوبی کشور یک دولت کمونیستی جداگانه بوجود آمد. با وجود پیروزی افسران حزب جمهوریخواه مورد حمایت مصر، عربستان سعودی باز هم موفق به همکاری با دولت جدید یمن شمالی شد و آن را بصورتی پایدار تحت گستره نفوذ خود قرار داد. در چند دهه گذشته، افراد قدرتمند مورد حمایت عربستان مانند علی عبدالله صالح بر شمال یمن و بعد یمن متحد حکومت کردند. دوره حکومت علی عبد الله صالح با آزار اقلیت زیدی کشور همراه بود حتی در حالی که صالح خودش به طور اسمی زیدی بود. صالح

همچنین حامی قوی صدام در طول جنگ ایران و عراق بود. پس از تهاجم سال 2003 آمریکا به عراق، یمن به پناهگاهی برای بعضی ها تبدیل و صالح به نام مستعار « صدام کوچک » معروف شد. پس از 34 سال، سقوط صالح از قدرت در سال 2012 اتفاق افتاد زمانی که او یک توافق با میانجیگری شورای همکاری خلیج فارس برای انتقال قدرت به معاون رئیس جمهور یعنی عبد ربه منصور هادی را در میان اعتراض های الهام گرفته از بهار عربی امضا کرد. حوثی ها به مدت طولانی نارضایتی خود را ناشی از ظلم و ستم اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی دولت خود اعلام کرده اند که بسیاری از مردم یمن با آن مواجه هستند و همچنین هجوم تبلیغاتی و تفرقه انگیز سلفی های مورد حمایت عربستان. آنها همچنین با مداخله آمریکا در کشور خود مخالف هستند و آن را بخش مهمی از سیاست خود قرار داده اند. شورش مسلحانه حوثی ها علیه دولت صالح با شش جنگ بین دو طرف از سال 2004 آغاز شد تا اینکه صالح در سال 2012 سقوط کرد. حوثی ها نیز نقش اساسی در اعتراض هایی ایفا کردند که به حذف صالح از قدرت منجر شد و نیز قدرتی قابل توجه در کشور در زمانی بودند که هادی به عنوان رئیس جمهور سوگند یاد کرد. با این حال، آنها از روند سیاسی به رهبری شورای همکاری خلیج فارس که هادی را به قدرت رساند کنار گذاشته شدند. به حاشیه رانده شدن ادامه دار آنها از دولت موقت و امتناع از به رسمیت شناختن جنبش حوثی به عنوان بازیگری مشروع به زودی به اعتراض ها و در نهایت ، تجدید درگیری نظامی بدل شده است. حوثی ها قادر به پیشرفت های چشمگیری بوده اند چرا که آنها عمدتاً منعکس کننده شکایات واقعی بسیاری از مردم یمن، صرف نظر از فرقه ها بوده اند. آنها همچنین ثابت کرده اند افراد عملگرا و زیرکی هستند و بیشترین بهره را از اتحاد مصلحتی با صالح رئیس جمهور سابق برده اند. از این رو، نسبت دادن دستاوردهای حوثی ها به حمایت ایران نه تنها اغراق است بلکه با توجه به واقعیت مناقشه در داخل یمن ، ریاکارانه است. مهمترین مسئله مطرح این است که جنگ یمن داخلی است و عربستان سعودی و دیگر کشورها نابخردانه تصمیم گرفته اند در آن دخالت کنند. علاوه بر این، ادعای مداخله مستقیم ایران در یمن نه تنها در تضاد با موضع ذاتا دفاعی ایران در منطقه قرار دارد که بسیاری از سیاستگذاران و نهادهای ایالات متحده به آن اذعان کرده اند - بلکه تا حد زیادی در مورد توان ایران برای نفوذ تعیین کننده در حوادث یمن مبالغه می کند. با حمله به حوثی ها، این عربستان سعودی است که بیشتر موجب کمک به بی ثباتی همسایه جنوبی و در مرز خود شده است. عربستان همچنین موجب تضعیف یکی از تنها گروه های یمن شده است که با موفقیت به مبارزه با القاعده در شبه جزیره عربستان پرداخت. همانطور که مداخلات خارجی مشابه متعدد در جنگ های داخلی خاورمیانه در طول سالها نشان داده است ، عربستان سعودی شانس کمی برای رسیدن به یک نتیجه مثبت در یمن دارد. به احتمال زیاد ، عربستان سعودی تنها در مورد تشدید وخامت وضعیت موفق می شود. تصور این وضعیت آسان است که القاعده خلاء قدرت در یمن را پر می کند و جنگجویان دولت اسلامی حتی به طور بالقوه حضور خود را در این کشور تثبیت خواهند کرد. برای پایان دادن به خصومت ها و ایجاد ثبات در یمن، شش قدرت جهان، ایران و عربستان سعودی باید این اقدامات را انجام دهند : یک جلسه فوری برای بحث در مورد یک طرح فراگیر با هدف رسیدن به

آتش بس فوری و کامل برقرار کنند ، به تمام تهاجم های نظامی خارجی پایان دهند ، به ارائه کمک های انسان دوستانه گسترده تر پردازند ، گفتگوی گسترده ملی را از سر بگیرند ، به نگرانی های جناح های مختلف و سهامداران در داخل کشور به شیوه ای غیر از حاصل جمع صفر پردازند ، در مورد تقسیم قدرت به توافق برسند و یک دولت وحدت ملی ایجاد کنند. این وضعیت باید با درکی صحیح از مسائل ریشه ای و نگرانی هایی انجام شود که به وضع موجود در کشور منجر شده اند. اقدامات نباید بر اساس اعتقاد به فریب خود و این روایت های ساده انگارانه باشد که همه مسائل را به گردن ایران می اندازند. ایران، در واقع، تاکنون برای رفع مشکلات تلاش کرده است. محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران با ارسال نامه ای به بان کی مون دبیرکل سازمان ملل، طرح صلح چهار مرحله ای را برای یمن ترسیم کرده است. ظریف بر ضرورت گفتگوی فراگیر بین همه طرف های مربوطه و quotation mark ایجاد یک دولت وحدت ملی فراگیر quotation mark تاکید کرده است. همانطور که حمله یمن نشان می دهد، استراتژی منطقه ای عربستان سعودی ، استفاده از ایران به عنوان یک قربانی برای توجیه سیاست های تهاجمی خود است. به نظر می رسد هدف از این سیاستها ، حفظ و گسترش هژمونی سازش ناپذیر عربستان در سراسر شبه جزیره عربستان و خاورمیانه است. با این حال، عربستان سعودی با هدف حفظ حکومت استبدادی در یمن و به حاشیه راندن بیشتر بخش وسیعی از جامعه یمن، تنها در حال آسیب رساندن به منافع خود و فراهم کردن امکان گسترش خشونت به خاک خود است. سعودی ها باید آگاه باشند که مانند سایر بحران ها در خاورمیانه ، تنها راه حل برای درگیری های یمن ، راه حل سیاسی مبتنی بر پرداختن به نگرانی های همه طرف های مربوطه است . <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/05/iran-saudi-houthis-yemen.html>